

## تبیین فصل

### الف | دغدغه‌هایی برای آینده عراق

جمهوری اسلامی ایران نباید در مورد بحران عراق دچار خطا شود، کمترین خطا در این زمینه می‌تواند به وقوع یک فاجعه منجر گردد و حتی ممکن است زیانهای جبران ناپذیری به امنیت و منافع ملی وارد کند.

در صورتیکه گزاره فوق درست باشد، به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی درباره آینده عراق با یک چالش جدی مواجه است. پرسشهایی که در این زمینه مطرح می‌شود حول چگونگی فهم تصمیم گیرندگان حوزه سیاست خارجی در مورد بحران عراق متمرکز است. آیا مسئولان کشورمان می‌دانند در صورت بروز تغییرات عمده در عراق چه باید کرد؟ آیا آنها می‌دانند بهترین گزینه برای رویارویی با آینده عراق پس از صدام حسین کدام است؟ آیا ایران می‌تواند خود را از قلمرو بازی کنار بکشد؟ اگر پاسخ منفی است، آیا ایران از پیش نقش خود را در مورد آینده عراق تعریف کرده است؟ اگر ایران با ایالات متحده آمریکا در مورد موضوع عراق همکاری نکند چه نتایجی در پی خواهد داشت؟ روابط ایران با عراق پس از صدام حسین چگونه خواهد بود، چگونه می‌توان از منافع ملی ایران پس از سقوط رژیم عراق

پاسداری کرد؟ در صورتی که جنگ امریکا با عراق طولانی شود موضع ایران چگونه پیش خواهد رفت؟ اگر عراق در آخرین لحظات فشار و جنگ تسلیم شود و به خلع سلاح خود تن دهد، ایران چه باید بکند؟ آیا تغییرات احتمالی در عراق به تقویت یا تضعیف نقش ایران می انجامد؟ آیا تغییرات در عراق ابتکار عمل منطقه ای اسرائیل را افزایش خواهد داد؟ و یا اینکه عراق به همپیمانان منطقه ای اسرائیل خواهد پیوست؟ ممکن است رژیم آینده عراق بخواهد الگوی دموکراسی را به مورد اجرا بگذارد و سنت گرایان و محافظه کاران منطقه ای را با چالش جدی مواجه کند، آیا مقامات جمهوری اسلامی ایران خود را برای برخورد با چنین فرضیه هایی آماده کرده اند؟ مثلاً اگر فرضیه شکل گیری سایکس - پیکو جدید در منطقه به اجرا گذاشته شود، آیا ابعاد و پیامدهای آن برای حوزه منافع ملی ایران مورد بررسی قرار گرفته است؟ آیا ایران می داند در صورت تجزیه عراق و شکل گیری دولتهای کوچک در حوزه خلیج فارس ویا در صورت تأسیس یک دولت کرد در شمال این کشور که اینک به صورت یک واقعیت درآمده چه باید بکند؟ آیا در صورت تجزیه عراق امریکا می تواند با یک ایران قدرتمند همراه با وحدت ملی منسجم کنار بیاید؟

همه پرسشهای فوق را می توان در این پرسش محوری خلاصه کرد که تحولات احتمالی عراق به چه نوع تغییرات و تحولات بعدی در رژیمها و موازنه های منطقه ای می انجامد و این تحولات و تغییرات چه تأثیری بر روابط ایران با جهان عرب خواهد گذارد؟ پاسخ به پرسشهایی از این دست ضرورت مبرم دستگاههای دست اندرکار سیاست خارجی کشور است. گمان ما این است که مسئولان و کارشناسان مسائل خارجی به این موضوعات رسیدگی کارشناسانه کرده و خود را برای اجرای سناریوهای مختلف با طیف خوشبینانه ترین احتمال تا بدبینانه ترین آن آماده کردند، اما آنچه در افکار عمومی و رسانه های

گروهی مطرح می‌شود گویای آن است که درک واحدی در زمینه بحران عراق در میان دستگاهها و نهادهای ذیربط هنوز سامان نیافته است. در مجموع می‌توان دو نوع گفتمان را در مواضع مسئولان رسمی کشور نسبت به بحران عراق جست و جو کرد: گفتمانی که وقوع جنگ را در عراق چندان جدی تلقی نمی‌کند و گفتمانی که به شدت از بازتابهای جنگ منطقه ای بر حوزه منافع ملی ایران نگران است. این نگرش دوگانه البته در مراحل ارزیابیهای اولیه و تنوع دیدگاهها مفید است، اما اگر از منظر راهبردی نگریسته شود می‌تواند پیامهای متفاوتی برای بدنه کارشناسی در رده های مختلف سیاسی، نظامی و امنیتی داشته باشد و این می‌تواند پیامدهای مخاطره آمیزی داشته باشد.

ج

مضافاً، بر این دو گفتمان یا به عبارتی دو گرایش در موضوع همکاری یا عدم همکاری با امریکا در مورد بحران عراق ملاحظه می‌شود. در حالی که برخی مقامات خواهان برقراری نوعی همکاری نانوشته شبیه آنچه در افغانستان گذشت، هستند، گروهی دیگر از مقامات کشورمان بر رد قاطعانه هرگونه همکاری پافشاری می‌کنند. این دوگانگی نیز می‌تواند پیامدهای مخاطره آمیزی به ویژه در رویکرد نیروهای مجلس اعلا و همپیمانان ایران در عراق بر جای بگذارد، به عبارت دیگر و در صورتی که به دور از نظارت ایران مذاکرات و تفاهات مجلس اعلا با طرف امریکایی بیش از حدود متعارف عمق بگیرد به همان میزان از نفوذ و حضور ایران در آینده عراق کاسته خواهد شد. آیا تدابیر لازم برای ترمیم یک چشم انداز امیدوار کننده در حوزه سیاست خارجی ایران در قبال بحران عراق اتخاذ شده است؟

**سیدحسین موسوی**

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی